

معامله اعضا بدن انسان در حقوق موضوعه ایران

ناصر ایرانی^۱. گلستان تینا^۲

۱. دکتری حقوق خصوصی، استادیار حقوق دانشگاه علوم و تحقیقات، واحد تبریز، ایران

Naser.irani 53@ gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، ایران

golestan.tina96@gmail.com

چکیده

یکی از روش‌های نوین درمانی که مباحث علمی فراوانی به دنبال داشته، پیوند اعضای بدن انسان است. ارتباط انسان با اعضای بدن خویش، از مباحثی است که امروزه در حل برخی مسائل مستحدثه بدان توجه می‌کنند. حقوقدانان و اخلاقیون دنیا نظریات مختلفی پیرامون رابطه مالی بین دهنده و گیرنده عضو ارائه کرده‌اند. در این پژوهش به بررسی معامله اعضاء بدن انسان در حقوق موضوعه ایران پرداخته‌ایم و با بررسی ادله فقهی و حقوقی به این نتیجه رسیدیم که علی‌رغم وجود اصل آزادی قراردادهای معامله اعضاء بدن به علت مالیت نداشتن موضوع معامله، مخالفت با نظم عمومی، اخلاق حسنه و عدم مشروعیت موضوع و جهت صحیح نمی‌باشد. همچنین عوض قرار گرفتن پول در معامله اعضای بدن، نمی‌تواند صورت بیع، جعاله و هبه معوض را به این دسته از معاملات بدهد و بنابر دیدگاه حقوقدانان می‌توان مالکیت انسان بر اعضاء خود و یا حق سلطه وی بر اعضاء خود را پذیرفت. در پایین پیشنهاداتی حقوقی برای این مساله ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: معامله اعضا، پیوند عضو، اعضا بدن، مالکیت

مقدمه

ارتباط انسان با اعضای بدن خویش، از مباحثی است که امروزه در حل برخی مسائل مستحدثه بدان توجه می‌کنند. تعیین نوع این رابطه و قلمرو آن با بررسی ریشه‌های بحث در متون فقهی، در برخی از مسائل فقهی و حقوقی، همچون اهدای عضو در زمان حیات و پس از آن [هنگام مرگ مغزی] و همچنین بحث اخذ مال در برابر عضو، اثر مستقیم خواهد داشت. شیوع بالای بیماریهای غیر واگیر دار همچون دیابت که منجر به تخریب کلیه و سایر اعضای بدن می‌شود باعث شده تا آمار بیماران دیالیزی و نیازمند پیوند کلیه در کشورمان افزایش پیدا کند. بیمارانی که دیالیز می‌شوند همیشه هم بدنشان جوابگوی دیالیز نیست و مجبور به پیوند کلیه می‌شوند. و تقاضا برای دریافت کلیه بالا می‌رود از سویی در کشور ما پیوند ناشی از مرگ مغزی به اندازه ایی نیست که جوابگوی تمام افراد حاضر در لیست انتظار پیوند اعضا بدن از جمله کلیه باشد (عدالتی، ۱۳۹۴، ص ۲).

امروزه توسعه دانش پزشکی درباره انسان و اعضای بدن وی، باعث گردیده تا مسائل پیچیده‌ای مانند جداسازی و پیوند اعضای بدن و در خلال آن بحث خرید و فروش اعضا، وصیت و هبه آن‌ها در حوزه مطالعات فقهی و حقوقی مطرح شود. از این رو بررسی این مسائل به دلیل تبیین مشروعیت آن از اولویت برخوردار است. شاید برایتان عجیب باشد که خرید و فروش اعضای بدن آن هم به همین راحتی؟ با یک آگهی ساده و یک شماره تلفن؟! آیا قانونی برای خرید و فروش عضو وجود ندارد؟ آیا در کشورهای دیگر هم خرید و فروش عضو قانونی است؟ مسأله اصلی که در این تحقیق به تحلیل آن پرداخته می‌شود، بررسی معامله نسبت به اعضاء بدن انسان از نظر قوانین کیفری موضوعه می‌باشد. که آیا معامله نسبت به اعضاء بدن انسان از نظر قوانین کیفری موضوعه صحیح هستند یاخیر؟

ادبیات موضوع

پیوند اعضا

انتقال اعضای یک فرد به فرد دیگر برای نجات زندگی یا بهبود کیفیت زندگی وی را اهدای عضو می‌گویند. اهدای عضو می‌تواند از افراد زنده (در مورد کلیه و یا اهدای قسمتی از کبد یا ریه بزرگسالان به فرزندانشان) یا از افراد مرگ مغزی و یا از افراد مرگ قلبی در شرایط خاص و با تجهیزات و تمهیدات ویژه انجام شود (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۲). به عبارتی اهدای عضو به این معنی است که یک فرد یا ولی دم او اجازه می‌دهد تا بافت‌ها یا اعضای سالم او به شخص دیگری برای پیوند اهدا شود که این پیوند می‌تواند زمانی که فرد زنده است یا پس از مرگ او صورت گیرد (اورگان، ۲۰۱۶، ص ۳۰).

1. Organ Donation

اعضاء و بافت‌های قابل اهدا

اعضای قابل اهدا: قلب، ریه‌ها، کبد، روده‌ها، لوزالمعده و کلیه‌ها می‌باشد. علاوه بر این اعضا، برخی از بافت‌های بدن نیز قابل پیوند می‌باشند. با اهدای قرنیه می‌توان بینایی را به فردی که دچار صدمه شدید به چشم شده باز گرداند. تاندون و غضروف باعث باز سازی اعضای آسیب دیده مربوطه می‌شوند. پیوند استخوان می‌تواند مانع قطع عضو در سرطان استخوان شود. دریچه قلب برای کودکان با بیماری مادرزادی دریچه‌ای و بزرگسالان با دریچه آسیب دیده به کار می‌رود. پیوند پوست نجات بخش بیماران با سوختگی شدید می‌باشد. پیوند مغز استخوان تنها درمان ممکن در بعضی از سرطان‌های خون می‌باشد. برخلاف عضو، بافت می‌تواند تا ۲۴ و یا حتی ۴۸ ساعت بعد از مرگ فرد اهدای شود و حتی می‌توان آن را برای مدت‌های طولانی ذخیره کرد. خلاصه آنکه هر فرد مرگ مغزی می‌تواند با اهدای ارگانهای حیاتی خود جان ۱ تا ۸ نفر را از مرگ حتمی نجات داده و با اهدای بافت و نسج خود ۱ تا ۵۳ نفر را از معلولیت رهایی بخشد (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۲).

صورت‌های انتقال عضو

انتقال عضو به سه صورت قابل تصور است:

صورت نخست: پیوند عضو از انسان زنده به بیماری که نجاتش واجب است، به گونه‌ای که جان اهدا کننده عضو به خطر نیفتد؛ مثل اهدای یک کلیه به بیماری که هر دو کلیه‌اش از کار افتاده است؛ زیرا تجربه‌های پزشکی فراوان، امکان زندگی با یک کلیه را به اثبات رسانده است. این حالت هم از دیدگاه فقهی و هم از نظر اخلاق پزشکی جایز است (آصفی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

صورت دوم: پیوند اعضای اصلی که حیات انسان به آن وابسته است و اهدا کننده آن را به دام مرگ می‌افکند مانند قلب، کبد، ریه‌ها و...

این صورت بدون هیچ گونه مناقشه و بحثی هم از دیدگاه شرع و هم از نظر اخلاق پزشکی، ممنوع و غیرقابل قبول است.

صورت سوم: پیوند عضو از انسان مرده به زنده قبل از مرگ آن عضو که این خود دو صورت دارد: بعد از سکت قلبی و بعد از مرگ مغزی (آصفی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

تاریخچه پیوند عضو

هدف از پیوند، جایگزین کردن یا ترمیم عضو صدمه‌دیده یا از کار افتاده در شخص گیرنده است. پیوند اعضا تاریخی طولانی دارد و حتی داستان‌هایی افسانه مانند درباره آن‌ها گفته شده است. محققان پیوند عضو در حیوانات و انسان‌ها را در قرن هجدهم تجربه کردند. در طول این سال‌ها شکست‌های بسیاری

وجود داشت، اما اواسط قرن بیستم، دانشمندان موفق به انجام پیوند اعضای بدن شدند (شوارتز، ۱۹۸۰، عزتی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۲).

در قرن دوم پیش از میلاد یک طبیب هندی به نام ساشروتا سعی کرد تا پوست بینی بیماری را به صورت اتوگراف (یعنی پیوند از شخص به خودش) ترمیم کند که موفقیت آن مشخص نیست. قرن‌ها بعد یک طبیب ایتالیایی موفق شد پیوند اتوگراف را به شکل موفقیت‌آمیز به انجام رساند او در پیوندهای بعدی سعی کرد این کار را به صورت آلوگراف (یعنی پیوند عضو یا بافت بین دو جاندار از یک گونه) انجام دهد که همه جراحی‌ها ناموفق بودند (همان).

گرچه در نوشته‌های بزرگان و شخصیت‌های برجسته پزشکی قدیم ایران از جمله حکیم ابن سینا و اسمعیل جرجانی اشاراتی وجود دارد که می‌تواند به عنوان اولین برداشت مبهم از مسئله انتقال اعضا باشد ولی پیوند اعضا به مفهوم مدرن و کنونی آن یعنی جایگزینی یک عضو با عضو مشابه؛ درطب ایران درسال ۱۳۱۴ با انجام پیوند قرنیه توسط استاد صاحب نام جراحی چشم و پایه‌گذار چشم پزشکی مدرن در ایران شادروان دکتر شمس در بیمارستان فارابی تهران انجام شد (زارعی، ۱۳۹۶، ص ۲۹).

معامله اعضا بدن انسان

در پی رشد دانش پزشکی و دست یابی بشر به فن آوری‌های نوینی که استفاده از اعضای بدن را برای نجات جان بیماران لاعلاج و درمان برخی از بیماری‌ها فراهم ساخت، پرسش‌های فقهی و حقوقی‌ای را در این حوزه مطرح کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به ارزش اعضای بدن انسان اشاره کرد، به طوریکه بررسی وضعیت اعمال حقوقی‌ای مانند خرید و فروش، هبه، وصیت نسبت به اعضا و کاربرد آن در جامعه پزشکی نشان دهنده اهمیت این مسئله است (ساجدی و صدیقیان، ۱۳۹۴، ص ۱).

منظور از معامله اعضا عبارت است از خرید و فروش اعضای بدن خود یا دیگری جهت پیوند در بدن انسانی دیگر به منظور کسب منافع مادی (قادرزاده ۱۳۹۵، ص ۷).

تاریخچه معامله اعضا بدن

تجارت اعضا بدن انسان سابقه زیادی ندارد. بعد از آن که پزشکان توانستند پیوندهای با موفقیت و اطمینان بالا انجام دهند فروش اعضای بدن نیز کم کم پابه عرصه وجود نهاد. با افزایش مشکلات اقتصادی، فقر، نبود اشتغال و جنگ در کشورهای توسعه نیافته زمینه و تمایل به فروش بخشی از بدن به منظور تأمین مایحتاج اولیه زندگی رونق گرفت.

اگرچه اطلاعات دقیقی از اولین موارد خرید و فروش اعضای بدن موجود نیست، اما در سال ۲۰۱۱ در کشور مصر میزان خرید و فروش اعضا بدن با وجود وضع قوانین سخت گیرانه افزایش یافت. در کشورهایی هم چون مصر، ایران، پاکستان و برخی کشورهای توسعه نیافته و در مواردی بعضی از کشورهای صنعتی نیز

موارد زیادی از خرید و فروش اعضاء بدن که بیشتر به خاطر مسائل مالی است گزارش شده است (کریستین، ۲۰۱۶، ص ۲۹۸).

خرید و فروش اعضای بدن به ویژه کلیه در ایران در حالی رواج دارد که گفته می‌شود بسیاری از اهداکنندگان به دلیل مشکلات اقتصادی حاضر به انجام چنین عمل‌هایی با قیمت‌های نجومی هستند. از سوی دیگر به گفته کارشناسان خرید و فروش اعضای بدن که در برخی مواقع به صورت قاچاق انجام می‌شود، در سایه نبود قوانینی کارآمد پررنگ شده و عده‌ای متخلف با استفاده از چنین شرایطی از نیاز افراد بیمار سوءاستفاده کرده و اعضای بدن را با قیمت‌های نجومی خرید و فروش می‌کنند.

قوانین مربوط به پیوند اعضاء

در خصوص پیوند عضو و بافت در سال‌های اخیر قوانین حقوقی متعددی تنظیم گردیده است که این قوانین با وجود داشتن مشترکاتی دارای تفاوت‌هایی نیز بایکدیگر هستند. بر این اساس این نظام‌ها را در سه دسته مهم جای می‌دهند:

رضایت آگاهانه: رضایت فرد در هنگام حیات اخذ شده و یا دارای کارت اهدای عضو است یا تمایل خود را به هر نحو دیگر اعلام نموده است.

رضایت مفروض: فرض بر این است که فرد به انجام پیوند رضایت دارد مگر آن که در زمان حیات خلاف آن را اعلام کرده باشد.

درخواست الزامی: در این نوع رضایت کادر درمانی موظفند از بیمار یا بستگان یا وراث وی در خصوص تمایل به اهداء عضو پرسش نمایند. به طور کلی در تمامی قوانین برخی اصول رعایت می‌گردند از جمله آنکه:

مرگ بایستی توسط پزشکان غیروابسته به تیم پیوند تأیید شود.

قانون حق امتناع از اهدای عضو پس از مرگ را برای افراد محفوظ می‌دارد.

خانواده و بستگان فرد متوفی برای جلوگیری از برداشت عضو از جسد حق قانونی دارند.

در مورد دهندگان زنده نیز کشورهای مختلف قوانین متفاوتی دارند ولی در این زمینه مشترکاتی نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

معمولاً محدودیت‌هایی برای اهدای داوطلبانه عضو وجود دارد. به عنوان مثال در کشورهای غربی اهدای عضو بایستی در درجه اول از سوی خویشاوندان و در مرحله بعد از سوی غیرخویشاوندانی نظیر همسر اجازه داده شود، همچنین در جوامعی که امکان ایجاد سوءاستفاده وجود دارد ممنوعیت‌هایی قائل شده‌اند. برای مثال در کشور هند که خرید و فروش عضو، مشکلات اخلاقی فراوانی را ایجاد نموده

است قانون مبنی بر ممنوعیت خرید و فروش اعضای پیوندی تصویب شده است. به علاوه در اکثر جوامع، قوانین، جبران هزینه‌های ناشی از اهدای عضو را تضمین می‌نماید که حتی در برخی کشورها شامل غیبت از کار در زمان بعد از عمل نیز می‌شود. اخذ رضایت نیز در تمامی کشورها در چهارچوب قوانین صورت می‌پذیرد (سلز، ۲۰۰۳).

جهت تبیین جنبه‌های شرعی و قانونی پیوند اعضا در ایران شورای عالی پیوند اعضا تشکیل شده است. لایحه پیوند اعضا و مرگ مغزی در سال ۱۳۷۸ در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و به تصویب رسید که متن آن به شرح زیر است:

لایحه اجازه پیوند اعضا بدن فوت شدگان در موارد خاص

ماده واحده - استفاده از اعضای بدن کسانی که فوت کرده یا دچار مرگ مسلم مغزی شده‌اند برای پیوند به بدن بیماران نیازمند در صورت حصول شرایط مجاز است. آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

از دیدگاه فقهی در کشور ما در بین فقها و مجتهدین معاصر برخی مراجع از جمله حضرت امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای فتوا بر جواز پیوند اعضا داده‌اند. تصویب قانون پیوند اعضا نیز بر مبنای همین احکام فقهی امکان پذیر گردیده است (عباسی، ۱۳۸۲).

شرایط عمومی صحت معاملات

شرایط عمومی صحت معاملات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) شرایط ناظر به متعاملین.

ب) شرایط ناظر به موضوع معامله.

در دسته نخست مباحث مربوط به قصد، رضا، اهلیت و جهت مطرح می‌گردد و در دسته دوم مباحث مربوط به مالیت و داشتن منفعت عقلایی مورد بحث واقع می‌شود. در شرایط ناظر به طرفین معامله در دهنده زنده و میت تفاوتی وجود دارد. قصد و رضای میت در وصیتنامه او متجلی می‌شود اگر فرد قبل از مرگ وصیت به مبادله اعضای بدن نموده باشد، ظاهراً مشکل قانونی در این زمینه وجود ندارد، حتی ثمن و یا دیه آن را صرف خود میت خواهند کرد. تنها اگر کشف شود که وصیتنامه بدون قصد او با اکراه نگاشته شده نمی‌توان رضایت او را بر اساس وصیتنامه به دست آورد که البته اثبات این مورد به علت عدم حضور فرد بسیار نادر است و باید به قرائن و امارات متوسل شد.

وجود اهلیت نیز یکی از شرایطی است که فقدان آن سبب عدم نفوذ معامله می‌گردد. در این مبحث نیز دهنده زنده و میت متفاوت می‌شوند. اگر دهنده زنده دارای اهلیت قانونی بوده، باید دید تا چه میزان حق دخالت و احیاناً در معرض خطر قراردادن جسم خود را دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان این گونه

اظهار کرد که معامله اعضای رئیسه آنهایی که فقدانشان سبب سلب حیات می گردد از مصادیق خودکشی و جرم محسوب می گردد.

شرایط اختصاصی بیع اعضای بدن

برای انجام انحای معاملات علاوه بر شرایط عمومی، شرایط اختصاصی نیز مورد نیاز است. صحت و نفوذ معامله به داشتن توأمان این دو بستگی دارد. در عقد بیع نیز مانند سایر عقود طرفین و مبیع باید دارای شرایطی باشند. مباحث مربوط به طرفین معامله در قسمت قبل گذشت علاوه بر آن طرفین باید دارای اهلیتی علاوه بر این طرفین باید اهلیتی برای تصرف در مبیع یا ثمن را دارا باشند. اهلیت تصرف بدان معنی است که خریدار و فروشنده اختیار تصرف در موضوع تعهد را داشته باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

اهلیت از طریق حکم قانون به مالکیت، مآذونیت و یا داشتن ولایت محقق میگردند به طور نمونه در عقد رهن، راهن به مرتهن و کالت در فروش می دهد در قوانین دیگر چون قانون تجارت مدیر تصفیه طبق شرایطی به فروش اثاث البیت و مالاتجاره تاجر می پردازد ۸ یا معامله به مال غیر نافذ نیست مگر آنکه مالک (یا قائم مقام او) پس از وقوع معامله آن را اجازه نماید (ماده ۱۴۳ قانون مدنی).

اصل آزادی قراردادها

اصل آزادی قراردادی، در حقوق ما بوسیله ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام شده است. بموجب این ماده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذ است». پس، جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرار داد ایجاد کرده است، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمانهای ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان «اصل» پذیرفت. اصل آزادی قراردادی به عنوان یک وسیله مفید اجتماعی پذیرفته شده است. پس، هر جا که از این وسیله نمی توان استفاده مطلوب را برد، قانون آن را محدود می سازد. چنانکه در ماده ۱۰ قانون مدنی نیز نفوذ قراردادهای خصوصی منوط بر این شده است که مخالف صریح قانون نباشد و در ماده ۹۷۵ همان قانون آمده است که: «محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعثت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود بموقع اجرا گذارد، اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد» (فرزام، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

معامله اعضا بدن در حقوق ایران

از آنجایی که فروش عضو بدن امری غیر اخلاقی و مذموم است؛ قانونگذار با استفاده از مفهوم حقوقی هبه معوض " یعنی در هبه شرط شود که تملیک صورت خواهد گرفت لکن طرف دیگر باید مبلغ یا چیز

دیگری را به تملیک هبه کننده درآورد "تلاش کرده که هم به نوعی این کار را قانونی کند و هم از وجهه غیراخلاقی کار بکاهد و به نوعی در افکار عمومی به آن مشروعیت ببخشد. (هبه در لغت یعنی هدیه کردن چیزی) در این حالت قانونگذار امر خریدن و فروختن کلیه را در قالب هدیه‌ای از طرف اهداکننده در ازای گرفتن مبلغی آورده است (عدالتی، ۱۳۹۴، ص ۲).

اما در ماده ۸ "قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیماران مرگ مغزی" ایجاد هماهنگی به عهده مرکز مدیریت پیوند و بیماریهای خاص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است و در تبصره این ماده آمده است: انتخاب گیرندگان و اولویت بندی آنان جهت انجام پیوند طبق برنامه تنظیمی و توسط مرکز فوق الذکر انجام خواهد شد. هر گونه تبلیغ در فضای مجازی و هر گونه واسطه‌گری انجمن‌ها هرچند اهداف اخلاقی و انسان دوستانه داشته باشند غیر قانونی تلقی می‌شود. تنها انجمن حمایت از بیماران کلیوی در ایران می‌تواند معرف دو طرف اهداکننده و گیرنده عضو باشد. در ایران انجام پیوند و خرید و فروش فقط و فقط تحت نظارت و از طریق انجمن حمایت از بیماران کلیوی قانونی است و در غیر اینصورت انجام فعالیت‌های انجمن‌های خیریه در این زمینه جرم می‌باشد و امری غیر قانونی است (همان). فقها دوتعریف عمده برای بیع (خرید و فروش) ذکر کرده‌اند: مبادله مال به مال وایجاب قبولی که برنقل ملک به عوض معلوم دلالت می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ص ۸۴).

قانون مدنی ایران از نظر دوم تبعیت کرده و خرید و فروش را از عقود تملیکی و معوض برشمرده است. تملیکی بودن بیع در معامله در حقوق ایران بدان معنی است که به محض وقوع عقد ملکیت مبیع به مشتری منتقل می‌شود و بایع مستحق ثمن می‌گردد.

ذکر این نکته ضروری است که اگر تملیک مجانی درحال حیات صورت گیرد می‌تواند هبه محسوب گردد، اما تملیک مجانی معلق به فوت صورت وصیت می‌یابد و درخصوص هبه اعضای بدن باید گفت انجام این عمل در قالب نهاد مزبور مورد پذیرش فقهای که موافق بیع اعضا نبودند، واقع گردیده است. علت رami توان در کسترش روحیه نوع دوستی، نزدیک به واقع بودن و پرهیز از مشکلات ناشی از گسترش بازاریسایه معامله اعضای بدن جستجو کرد. نظریه مشورتی نیز دراین باب به عدم جواز فروش و درمقابل اجازه به صحت هبه گردیده است (موسوی بجنوردی، کاظمی افشار، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

انعقاد معامله به صورت هبه معوض نیز این احسان و فداکاری دهنده عضو را تا حدودی پاسخ می‌دهد. بنابراین، گرچه معامله اعضای بدن به صورت بیع از بعد فقهی و حقوقی صحیح است اما نهادی به عنوان هبه (حتی به شکل معوض آن) در فقه و حقوق موجود است چرا برای انجام عملی چنین ارزشمند و بزرگ آن رابه کارنبریم. چه متعالی است همان گونه که وجود خود را به صورت هدیه و عطیه ای از جانب خدا دریافت کرده‌ایم آن را به همین صورت نیز به هموعان خود ببخشیم (همان).

مواد ۱۲ لایحه حمایت از حقوق اطفال و نوجوان «هرگونه معامله راجع به اطفال و نوجوانان از جمله خرید و فروش آنها ممنوع و مرتکب به حبس درجه ۶ محکوم می‌شود، چنانچه این رفتار با هدف فحشا،

هرزه‌نگاری، برداشت اعضا و جوارح و استفاده از طفل یا نوجوان در رابطه با جرم باشد، مرتکب به مجازات درجه ۵ محکوم می‌شود.

دیدگاه‌ها در خصوص تجارت اعضا بدن انسان

عده ایی معتقدند تجارت عضو باید غیر قانونی شود و خرید و فروش عضو انسان در حیطه قاچاق انسان جای گیرد. این‌ها معتقدند با مشروع بودن خرید و فروش عضو کار قاچاقچیان که تجارت عضو می‌کنند قانونی می‌شود و اینها با سودجویی، بچه‌های خانواده‌های فقیر را می‌خرند و اعضای بدن آنها را به خاطر پولی که نصیبشان می‌شود می‌فروشند و این کار غیر اخلاقی است و بیشترین سود را قاچاقچیان می‌برند. در عین حال عده‌ای از پزشکان هم معتقدند اینکه فرد به علت فقر مالی، عضوی از بدن خود را بفروشد و از آن پس تا آخر عمر با مشکلات احتمالی نداشتن یک عضو و یا مشکلات ناشی از آن عضو و یا مشکلات ناشی از آن عمل جراحی دست و پنجه نرم کند، مخالف قانونی بودن این کار هستند (عدالتی، ۱۳۹۴، ص ۳).

البته در کشور ما هم که اهدای معوض یا فروش کلیه مجاز شمرده می‌شود "هرگونه آگهی درباره اهدای کلیه از فرد زنده" و "هرگونه واسطه‌گری یا تجارت در فرآیند اهدای کلیه از اهداکنندگان زنده ممنوع است" و موجب پیگرد قانونی است. برای همین هر گونه تبلیغ در فضای مجازی و هر گونه واسطه‌گری انجمن‌ها هرچند اهداف اخلاقی و انسان دوستانه داشته باشند غیر قانونی تلقی می‌شود. تنها انجمن حمایت از بیماران کلیوی در ایران می‌تواند معرف دو طرف اهداکننده و گیرنده عضو باشد (همان). طرفداران قانونی بودن می‌گویند اگر این امر تحت نظارت و به صورت سلامت بخواهد صورت بگیرد باید امری قانونی تلقی شود از طرفی اگرچه باعث تأمین نیاز مالی فرد فقیر می‌شود (ولو به صورت نامناسب) ولی باعث سلامتی افراد دیگر می‌شود (همان).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در باب معاملات اعضای بدن، باید رابطه فرد با اعضا و جوارحش روشن گردد تا بر مبنای آن تصمیم‌گیری در مورد انحراف تصرفات صورت گیرد. بررسی نظریات موجود نشان‌دهنده سلطه و تصرف انسان بر اعضای بدن خویش است. امکان اطلاق مال به اعضای بدن نیز برای انجام معاملات امری ضروری است، چرا که در حقوق ایران مورد معامله باید به صورت مال یا عمل باشد و اعضای بدن با دارا بودن خصوصیات اموال از جمله ارزش اقتصادی و منفعت عقلایی می‌تواند جزء اموال محسوب گردند، پس از تبیین وجود رابطه لازم برای انجام معاملات اعضای بدن، افرادی که صلاحیت انعقاد عقد معوض و غیر معوض نسبت به آن را دارند. بنابراین علی‌رغم وجود اصل آزادی قراردادهای معامله اعضا بدن به علت مالیت نداشتن موضوع معامله، مخالفت با نظم عمومی، اخلاق حسنه و عدم مشروعیت موضوع و جهت صحیح نمی‌باشد.

همچنین عوض قرار گرفتن پول در معامله اعضای بدن، نمی تواند صورت بیع، جعاله و هبه معوض را به این دسته از معاملات بدهد. هرچند بنابر دیدگاه حقوقدانان می توان مالکیت انسان بر اعضا خود و یا حق سلطه وی بر اعضا خود را پذیرفت. اما این مساله بدان معنا نیست که انسان بتواند آر اعضا بدن خود همچون یک ابزار معامله استفاده کند. اما به دلیل ارتباط تنگاتنگ حقوق و اخلاق و تأثیر مستقیم موانع اخلاقی در شکلگیری قوانین و مصوبات حقوقی این مسأله باید از لحاظ اخلاقی مورد پذیرش قرار گیرد. با توجه به نیاز جامعه و مشکلات روزافزون بیماران و خلأهای قانونی در این باب پیشنهاد می گردد قانونی تدوین شود که مسائل ذیل در آن ملحوظ باشد:

- ۱- دهندگان زنده و میت تفکیک و در هر یک از آنها مواد قانونی مناسب آورده شود.
- ۲- نظر به اینکه مبادله اعضا به صورت معوض و غیر معوض قابل اجراست، باتوجه به مسائل اخلاقی و مشکلاتی که محتمل است، متعاقب فروش آزادانه به وجود آید، قانوننمودن مبادله غیر معوض به صلاح نزدیکتر است، البته عوضی برای تشکر و قدردانی از عمل نوع دوستانه باید به میزان خسارات متحمل فرد قرار داده شود، گرچه هدیه ایثار امروزه تا حدودی عهدهدار این امر است، اما به دلیل ثابت بودن میزان آن به قیمت بازاری می ماند، در حالی که میزان ثابتی برای معوض وجود ندارد.

فهرست منابع و مآخذ

- عباسی، محمود (۱۳۸۲). حقوق پزشکی. پیوند اعضا. تهران: نقش هزار رنگ.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. قم: موسسه فرهنگی طه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). عقود معین. تهران. شرکت سهامی انتشار، جلد اول، چاپ نهم، ص ۹۸
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، کاظمی افشار، هاجر (۱۳۸۶) معامله اعضای بدن در حقوق ایران با رویکردی به نظرات فقهی امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، شماره ۳۸، صص ۳۸-۶۰.
- عدالتی، فهیمه (۱۳۹۴). آیا خرید و فروش اعضای بدن در ایران جرم است؟، تبیان، بخش حقوق.
- قادرزاده، داوود (۱۳۹۵)، معامله در جامعه امروز، فصلنامه جهان نوین، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۷.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران.
- فرزام، آناهیتا (۱۳۹۵). اصل آزادی قراردادها، دوفصلنامه علمی تخصصی قانون، شماره هفتم، صص ۱۲.

